

شهید یونس چاره دان



از بشارت علی
سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۱/۰۵
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۱/۲۸
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	دیر

زندگینامه

دانش آموز شهید یونس چاره دان در سال ۱۳۴۷ در بندر دیر، دیده به جهان گشود. در دامان مادری پرورده شد که مهربان و سراسر وجودش عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود. مادر، همیشه با وضو او را شیر می داد و سبحان الله ذکر همیشگی اش بود.

شهید چاره دان، کودکی را در کنار همسالانش با بازی های کودکانه و خاک های گرم ساحل نیلگون خلیج فارس پشت سر گذاشت. دوره ابتدایی را در دبستان داریوش (آیت الله سعیدی) دیر به اتمام رساند. در مدرسه راهنمایی نیز با سعی و تلاش به درس خواندن ادامه داد.

شهید، دارای خصلت های خوبی چون عطف، مهربانی و رازداری بود به طوری که خلی ها به او غبطه می خوردند. دوره متوسطه را تا پایه دوم ادامه داد ، اما شور و شوق حشور در بجهه بود که او را عازم دانشگاهی کرد که کنکور آن، خدا دوستی و شهادت بود.

درس و مدرسه را رها کرده و به جبهه نبرد حق علیه باطل شتافت و در تاریخ ۲۲/۳/۱۳۶۳ و ۱۷/۹/۱۳۶۴ به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد. در دومین و آخرین مرحله اعزام به اتفاق دوستان هم محلی و هم شهری اش در عملیات پیروزمندانه والفجر ۸ شرکت کرد تا اینکه در تاریخ ۲۸/۱۱/۱۳۶۴ در منطقه به فو به اوج عزت و سعادت، شهادت رسید و جسد مطهرش ۱۲ سال بر خاک های تفتیده و خونین به امانت ماند تا اینکه در سال ۱۳۷۶ به زادگاهش برگشت و بر دستان مردم شهرش، به شکوه تمام تشییع شد . در جوار همزمانش به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

ما از خاک درست شده ایم و باید به خاک برگردیم. مسأله ای که این جا مهم است این که چگونه باید به خاک برگردیم و از چه راهی آن راه، جهاد در راه خدا دانست و انسان نباید در این موقعیت زمانی در بستر بمیرد و برای من ننگ است که در بستر بمیرم و چون راه شهادت برای ما باز است و خداوند در آیه ای می فرماید: «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا.» کسانی که در راه خدا جهاد می کنند، ما راه های خود را به آن ها نشان خواهیم داد. وصیت من به مادرم این است که شما خیلی در پای من زحمت کشیده ای تا من را بزرگ کرده ای و خیلی بی محبتی از من دیده ای و امر تو را اجرا نکرده ام و به نصیحت از حرف های تو گوش نکرده ام شما باید خیلی خیلی از من ببخشید. پدر جان اگر من خلافی یا بد رفتاری نسبت به شما کرده ام باید خیلی خیلی ببخشی و مرا حلال کنی.

مادر جان باید خواهران و برادرانم را طوری تربیت کنی که آن ها چه از نظر حجاب و چه از نظر تقوی برای دیگر برادران و خواهران الگو و نمونه باشند. و دانش آموزان عزیز، جبهه را فراموش نکنید و نگذارید اسلحه ی من بر زمین بیفتد و درس و جنگ را در کنار هم بیاموزید و اگر کسی از دوستان و اقوام و خویشاوندان یا هر کسی از من ناراحتی دیده و به کسی اذیتی کرده ام به بزرگی امام زمان(عج) مرا ببخشید.

سلامم را به امام امت برسانید و هیچگاه او را تنها نگذارید و گوش به فرمان او باشید و در آخر باید بگویم من که از دیر به جبهه حرکت کرده هدفم الله بود و می خواستم فقط برای خدا جهاد کنم. شعری است که در این مورد برای شما نقل می کنم:

خوشا آنان که الله یارشان بی

بحمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنانکه دایم در نمازند

بهشت جاودان بازارشان بی

دیگر عرضی ندارم □ خدا حافظ

مورخ: ۱۶/۱۱/۱۳۶۴



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران